

سیاست‌گذاری فراغت جوانان : چالش‌ها و فرصت‌ها

هدف اصلی این مقاله بررسی زمینه‌های سیاست‌گذاری فراغت جوانان، توجه به چالش‌ها و فرصت‌های جدید در دنیای مدرن است. برای فهم زمینه‌های جدید در سیاست‌گذاری فراغتی، ابتدا چالش‌های جدید در اوقات فراغت جوانان بررسی می‌شود. برای انجام این امر الگوهای نظری در سنت مطالعات اوقات فراغت مورد توجه قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که مطالعات اخیر فراغت از آنها فاصله گرفته‌اند تا بتوانند الگوی نظری جدیدی برای چالش‌های اوقات فراغت جوانان ارائه کنند. چالش‌های اوقات فراغت جوانان با فاصله‌گذاری میان وضع موجود با وضع ایده‌آل و بر اساس تصویر کنش - ساختار، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری اوقات فراغت جوانان، بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده است. در نتیجه، تصویر منفعلانه از رابطه کنش - ساختار در اوقات فراغت به طرف کنش فعال و پویای جوانان در برابر ساختارهای اجتماعی تغییر کرده است. در قسمت آخر مقاله با توجه به چنین تغییری سیاست‌گذاری فراغتی مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری اجتماعی، سیاست‌گذاری فراغتی، چالش‌های فراغت، الگوهای فراغت، مطالعات سنتی اوقات فراغت، جوانان

علی‌اصغر سعیدی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه

تهران

saeidi@ut.ac.ir

روزنامه تخصصی ریاضیات اسلامی فصلنامه علمی و پژوهشی

مقدمه

تمامی مقالات این ویژه‌نامه حکایت از اهمیت مطالعات فراغت جوانان و تحول در الگوهای فراغت آنان دارد. بنابر این در مقاله نهایی، هدف شرح مشکلات و مسائل سیاست‌گذاری فراغتی در زمینه این تغییرات و تحولات است. در این راستا، برای توصیف و تحلیل چالش‌های اوقات فراغت به ترسیم مدل نظری بررسی اوقات فراغت جوانان می‌پردازیم. با این کار از الگوهای سنتی مسلط بر مطالعات اوقات فراغت فاصله می‌گیریم و در پی دستیابی به توازن جدیدی هستیم که لازمه بررسی چالش‌های اوقات فراغت جوانان است. به عبارت دیگر، بررسی فاصله وضع موجود اوقات فراغت با وضع ایده‌آل بر اساس تصویر کنش - ساختار، چالش‌های اوقات فراغت جوانان را نشان خواهد داد. برای رسیدن به چنین مدلی نیازمند آنیم تا سنت مسلط تحقیقات اوقات فراغت را مرور و نقد کنیم و نشان دهیم که چرا این نظریات سنتی دیگر نمی‌توانند به درستی واقعیت مشکلات اوقات فراغت جوانان را تبیین کنند. بدین ترتیب می‌توان با فاصله گرفتن از این مدل‌های رایج، به طرح نظریه دیگری از اوقات فراغت پرداخت که در آن الگوی اوقات فراغت جوانان بر اساس مؤلفه‌هایی تحلیل می‌شود که حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را می‌نمایاند. اگر بتوان به این هدف نائل شد، می‌توان نقطه نظرات سیاست‌گذاری فراغتی در شرایط جدید را نیز ارائه داد.

مرور و نقد سنت مسلط بر تحقیقات اوقات فراغت

سنت تحقیقات در مورد فراغت به لحاظ نظری بر سه انگوی مسلط یعنی الگوی بیولوژیکی، الگوی نهادی اجتماعی و محاسبه بودجه زمانی فراغت متکی است. اصولاً در مطالعات نظری، تسلط این سه الگو، مانع از شکل‌گیری نظریه اوقات فراغت به طور مستقل شده است و آنچه که مطالعات اوقات فراغت را ضروری می‌ساخت نظریه‌های جامعه‌شناختی، روانشناختی و اقتصادی است. در ایران نیز تحقیقات در مورد گذران اوقات فراغت بویژه در میان جوانان از الگوی نظریه‌های جامعه‌شناسی، نظیر آرای دومازیه جامعه‌شناس فرانسوی، تبعیت کرده‌اند. دسته‌ای از این الگوهای مسلط، مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده انواع فراغت را بر اساس شرایط اقتصادی، فردی و خانوادگی ردگیری کرده‌اند. این دسته، در ردیف الگوی نهادی اجتماعی جای می‌گیرند. در مقابل این تحقیقات که نوید فرارسیدن جامعه‌ای فراغتی را می‌داد، مطالعات انتقادی اوقات فراغت قرار داشت. سنت مطالعات انتقادی، فراغت را به مقولات انتزاعی‌تری مانند آزادی مربوط کرده و مدعی بودند که نبود «آزادی» در انتخاب برنامه تفریحی از مسائل اساسی در برنامه گذران اوقات فراغت جوانان است و بالاخره دسته دیگری از الگوهای مسلط، چالش‌های فراغت را نسلی می‌دیدند. بر این مبنا، اوقات فراغت جوانان بر اساس انگوی تمایزات نسلی قابل مطالعه است. به عبارت دیگر، کنش‌های جوانان اگرچه ممکن است بر حسب منزلت اجتماعی و اقتصادی متفاوت باشد، اما همگی بر بستر رفتارهای بیولوژیکی قرار دارند. در نتیجه از نظر هر الگو، فراغت جوانان معنای خاص خود را دارد. نخست معنای کلاسیک فراغت بر حسب تمایز کار دستمزدی و فراغت و دوم تحیل فراغت بر مبنای تمایز بیولوژیکی.

معنای فراغت از نظر جوانان

بر اساس تعاریف متعارف، اوقات فراغت، زمان معناداری برای جوانان نیست؛ چون تعریف کلاسیک، فراغت را در مقابل کار دستمزدی قرار می‌دهد. اما تأمل و نظر جوانان نسبت به زمان فراغت در مدل نظری جدید مهم است نه در تعریف کلاسیک فراغت. بنابراین آنچه جوانان از فراغت می‌دانند در مدل نظری جای می‌گیرد تا تمایز ما با تعریف‌های متعارف روشن گردد. اغلب جوانان فراغت را دوره‌های زمانی می‌دانند که در آن آزادند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند و بر حسب متغیرهای جنسی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی و میزان تحصیلات ممکن است متفاوت باشد. در این میان، برای فهم چالش‌های زمان و مکان فراغت باید نگرش آنها به معنای فراغت و نیز «حق انتخاب» ناشی از میزان درک آنها از حقوق اجتماعی شهروندی را مورد بررسی قرار داد. اگر در نزد جوانان آزادی به معنی «به میل خود رفتار کردن» در فعالیت‌های منتخب

فرد باشد، در این صورت عنصر «آزادی انتخاب» برای ادامه دادن فعالیت‌های فراغتی و میزان عملی این آزادی مهم است. همین مسئله است که میزان چالش‌های فراغت جوانان را نیز نشان می‌دهد. فاصله درک جوانان از آزادی با الزامات نهادینه شده در جامعه و نحوه برخورد جوانان با این فاصله چالش‌های آنها را نشان خواهد داد. مفهوم «آزادی انتخاب» در فراغت که خود را در ابعاد مختلف آزادی زمان، مکان، بودجه و ... نشان می‌دهد، به معنی اعمال فراغت توسط جوانان است. این نحوه آزادی انتخاب را می‌توان از طریق بررسی میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های مختلف فراغتی که بر حسب متغیرهای جنسی، نهادی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت است نیز مطالعه کرد. بررسی این مسئله مهم است که میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های فراغتی مختلف ناشی از چه محدودیت‌هایی است و آنها با این محدودیت‌ها چگونه برخورد می‌کنند. به عبارت دیگر، آنها آزادی انتخابشان را در ادامه دادن به فعالیت‌های فراغتی اعمال می‌کنند. آیا اجبارهای نهادی که در نظام رسمی عمل می‌کنند به جای اینکه جوانان را در فعالیت‌های ضمانت شده مشارکت دهد از آن جلوگیری می‌کنند؟ به عبارت دیگر، میزان عدم مشارکت در فعالیت‌های ضمانت شده طبیعی است یا این فعالیت‌ها خارج از دامنه سازگاری جوانان است و آنها را با چالش روبرو می‌کند؟ آیا اختیار جوانان برای انتخاب آزاد، ضرورتاً چالش‌های آنها را کم می‌کند و مشارکتشان در فعالیت‌های فراغتی قانونی را بالا می‌برد؟

الگوهای مسلط در بررسی اوقات فراغت جوانان

بررسی مطالعات اوقات فراغت نشان می‌دهد که معمولاً مطالعات فراغت به جمع‌آوری و ثبت میزان‌های کمی فراغت و استفاده از وسائل و انواع فعالیت‌های فراغتی می‌پردازد و از نیازهای جوانان که حاکی از انتظارات و ظرفیت‌های آنهاست، خبر نمی‌دهند. از سوی دیگر، مناسبات فراغت جوانان تحت تأثیر فشارهای مختلف اجتماعی نیرومند شکل می‌گیرد که این نوع تحقیقات تاکنون به آن پرداخته‌اند. عدم شناخت این مناسبات که ممکن است پیامدهایی ناهمگن و از هم گسیخته داشته باشد، باعث می‌شود تا از میزان چالش‌ها، رقابت‌ها و درگیری بر سر فضا و زمان فراغت در میان جوانان شناختی حاصل نشود. لذا نمی‌توان روند تغییرات اوقات فراغت را که ناشی از برخی روندهای اجتماعی است، در چشم‌اندازهای فراغتی تحلیل کرد. همچنین این نوع تحقیقات کمتر موفق شده‌اند تا برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌ای در مورد اوقات فراغت جوانان ارائه دهند، زیرا بر پایه شناخت اقتضانات جوانان قرار ندارند. چنین تحلیل‌هایی بر مبنای تحلیل اوقات فراغت بر اساس دوره‌های زندگی است.^۵

چالش‌های الگوی فراغت جوانان: مدل نظری

مسئله الگوی گذران اوقات فراغت جوانان و پیامدهای احتمالی ناشی از چالش بین وضع موجود و وضع مطلوب، مبین شیوه‌ای جدید در زندگی بشر امروزی است. پدیده گذران اوقات فراغت در چارچوب یک تمدن فراغتی یا جامعه‌ای فراغتی اهمیت یافته است. اوقات فراغت خود با تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اوقات مؤثری است که در زمان‌ها و فضاها مختلف در اجتماع توسط تمامی گروه‌ها و اقشار اجتماعی به انحراف مختلف مصرف می‌شود. آنچه که به زمان فراغت معنا می‌بخشد، مصرف آن در مکان‌ها و فضاها فراغتی است، تا مصرف زمان فراغت و فضای فراغت دائماً در نوسان است و بر سر آن اختلاف و کشمکش بسیار دامنه‌ناز و متنوع وجود دارد. نوسانات و چالش‌های گروه‌های مصرف‌کننده فراغت بر سر زمان و فضای فراغت در خلاء صورت نمی‌گیرد، بلکه در قالب رقابت، مذاکره و درگیری شکل می‌گیرد و بر سایر گروه‌ها تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، صرف فراغت توسط گروه‌های مختلف در زمان‌ها و فضاهای مختلف نشان از چگونگی اعمال آزادی است. در مقابل، عدم مصرف فراغت نیز ممکن است نشان از عدم آزادی و یا محروم شدن از اعمال این آزادی‌ها باشد. این محدودیت‌ها و فشارها در روند زمان نوسان داشته، به نحوی که به تغییر الگوهای فراغت می‌نجامد. بر این اساس محور این مدل نظری ناظر بر تبیین الگوی فعالیت‌های فراغتی جوانان با تمرکز بر چگونگی تغییرات آن است. به عبارت دیگر، هدف این است که انتظارات و ظرفیت‌های تنش‌زا و جنبش‌های پیش روی جوانان در زمان و فضای فراغت جوانان به مثابه مؤلفه‌های مهم در تعیین و شکل‌گیری الگوی فراغت آنها بررسی شود.

چگونگی مواجهه با چالش‌های وضع موجود: شهروندی فعال

یکی از کلیدی‌ترین واژه‌ها در بررسی چالش‌های فراغت، واژه شهروندی فعال است. (Roek, 2005) این واژه که الگوی مسلط فراغت را به چالش کشیده است، کلید فهم چالش‌های فراغت گروه‌های مختلف اجتماعی به طور کلی و جوانان به طور خاص است. شهروندی فعال و رابطه آن با ظهور چالش‌های جدید در زندگی افراد به ویژه جوانان چیست؟ به عبارت دیگر، مفهوم شهروندی فعال چگونه می‌تواند در مواجهه با چالش‌های اوقات فراغت و رسیدن به وضع مطلوب فراغت جوانان مؤثر افتد؟ برای فهم شهروندی فعال، نخست باید وضعیت زمان خود را تشریح کنیم.

ما در دنیای زندگی می‌کنیم که روز به روز مسائل نامنحص و غیر قطعی در برابر ما قرار می‌گیرند. ماهیت و هدف بسیاری از امور من جمله اهداف فراغتی در چنین جامعه‌ای بسیار پیچیده‌تر از سی سال پیش است. از آنجا که بحث ما در چارچوب الگوهای فراغت جوانان است،

باید گفت که ماهیت و هدف گذران فراغت نیز بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده است. رشد علم و فناوری که جوانان بیش از سایر گروه‌ها با آن درگیرند، در حقیقت تأثیر فزاینده‌ای بر فراغت نیز گذاشته است. در گذشته تصور می‌شد که این فناوری‌ها ما را روز به روز به طرف جامعه‌ای فراغتی‌تر حرکت می‌دهد؛ جامعه‌ای که مسائل آن را علم و فناوری حل می‌کند، اما اینک ما با جامعه‌ای سرشار از بیم و ریسک روبروئیم. بیم‌هایی که در اشکال مختلف از جمله اشکال و اعمال فراغتی دیده می‌شود به ویژه که برخی اشکال فراغتی در مسیری انحرافی واقع می‌شود، مانند استفاده تفریحی و سرگرم کننده از داروهای مخدر، پیاده کردن فیلم وقیح از اینترنت و غیره. بر طبق مطالعات گذشته، افراد حقوق‌بگیر به دلیل تقابل ماهیت کار و فراغت در تعاریف کلاسیک، حق استفاده از فراغت را دارند. حالا به فراغت طور دیگری نگاه می‌شود، به ویژه به فراغت جوانان با نگرانی^۶ توجه می‌گردد. از یک طرف، تغییرات در ساخت اقتصادی باعث شده است تا کارهای دستمزدی موقتی شوند. این مسئله روی سلامتی، چه در دوره کار و چه در دوره بازنشستگی و سلامتی افراد جامعه به طور کل تأثیر گذاشته است. (پیرسون، ۱۳۸۴، فصل چهارم). همچنین گفته می‌شد فراغت چون در مقابل کار دستمزدی است، لذا مربوط به بزرگسالان مشمول تعریف نیروی کار است، اما با مبهم شدن فاصله نسل‌ها در فراغت، به واسطه همین تغییرات در علم و فناوری، تمایز الگوی فراغت در گروه‌های سنی تا حد زیادی بر هم خورده است؛ یعنی تمایز اوقات فراغت دیگر مبنای بیولوژیک ندارد. (Rojek, 2005) به طور مثال، تمامی گروه‌های سنی به یک اندازه ممکن است از فراغت‌های فناوری اینترنت استفاده کنند یا هر گروه سنی به یک اندازه می‌تواند از فناوری بازی‌های کامپیوتری و غیره سود ببرد. فناوری همچنین باعث هزینه‌هایی شده است که ما با انجام فعالیت‌هایی بر محیط زیست تحمیل می‌کنیم.

در سال ۲۰۰۰ این نوع مسائل مورد توجه مدیران مسایل فراغتی قرار گرفت و هیئت مدیره انجمن جهانی فراغت (charter for leisure) در جولای همین سال مسئله تهیه و تدارک فراغت برای کیفیت زندگی را مطرح کرد. آنها در گزارش خود به این مسئله اشاره کرده‌اند که تهیه فراغت برای افزایش کیفیت زندگی به اندازه سلامت و آموزش مهم‌اند. (Ibid: 222) در نتیجه یکی از امور مهم در برنامه‌ریزی رفاهی پرداختن به برنامه‌ریزی فراغت است.

برنامه‌ریزی فراغت جوانان بر این نظر استوار است که نابرابری را تنها نباید در سلامت، توزیع درآمد، آموزش و کار دید، بلکه توزیع نابرابر فراغت یا در معرض خطر قرار گرفتن افراد در انواع و اشکال فراغت نیز بر کیفیت زندگی از طرق مختلف از جمله سبک‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. بنابراین به طور مثال اگر در برنامه‌ریزی رفاهی، برنامه پیش‌گیرانه در تمام حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی مورد نظر باشد، (برنامه‌ای که یکی از چالش‌های داشتن جامعه سالم

است) نمی‌توان به انواع و اشکال گذران فرغت به عنوان یک استراتژی در برنامه رفاهی جامع بی‌توجه بود. (سیاست اجتماعی، ۱۹۹۴) لذا این مسئله رابطه حقوق اجتماعی و مدنی فرد را در رابطه‌اش با دولت بسیار تحت تأثیر قرار داده و این سؤال‌ها را مطرح کرده است: ۱- دولت چه مسئولیتی در قبال افراد دارد؟ ۲- فرد چه حقوقی مدنی در ارتباط با دولت دارد؟ از سوی دیگر، دولت‌های دیگر مانند دولت‌های بعد از جنگ دوم جهانی نمی‌توانند در سیاست‌های اجتماعی مداخله فراگیر داشته باشند و رأساً به آموزش رایگان و رفاه کامل و تضمین افزایش تورم روی بازنشستگی و اجرای سیاست سلامت و درمان رایگان بپردازند. (بلیک مور، ۱۳۸۵) در حقیقت عصر سواد، دانش و ارتباطات توده‌ای نوعی شهروند جدید ایجاد کرده است که بیش از گذشته نیاز به آموزش نهادی دارد. به تعبیر دیگر، دسترسی به اطلاعات، نیاز همیشگی برای او ایجاد کرده است این مسائل از فرد شکل جدیدی می‌سازد، یعنی فرد باید به شهروند مسئول و فعال (active citizen) تبدیل شود؛ فردی که در میانه و گیرودار مشارکت بین افراد خصوصی، سازمان‌های داوطلبی، سازمان‌های چند ملیتی و دولت‌هاست.^۲

بنابر تعریف کریس روژک، «شهروند فعال مدل نوامند شده‌ی فردی است که حقوق مدنی و مسئولیت‌های خود را می‌داند. این مدل نوامند شده در دو سطح قابل بررسی است» (Rojek, 2005:2). اول، نیاز به جامعه مدنی در رابطه با انتخاب‌های سبک زندگی افراد و انتخاب‌های سیاسی بازتابی (reflexive) (نگاه کنید به پیرسون، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۲۸۲)؛ دوم، سازمان‌های مشارکتی شهروندان، سازمان‌های داوطلبی و دولت برای فعالیت مشارکتی بالا، براساس حقوق و مسئولیت‌ها. البته، باید گفت که وضع چنین شراکتی بین افراد، بخش‌های داوطلبی و دولت هنوز در ایهام قرار دارد و دامنه و نوع آن هنوز روشن نشده است. به علاوه هنوز علائق حسرت‌آمیز افراد که می‌خواهند دنیا همان دنیای سابق باشد، وجود دارد. رابطه فعال بین فرد و دولت در برابر چنین علائقی قرار دارد، اما روند جاری رو به پیش است و ما به طرف جامعه شهروندی فعال جلو می‌رویم. مفهوم شهروند فعال به دنبال یک حق شهروندی عملی می‌گردد تا مسئولیت‌های جدید شهروندی را در رابطه با حمایت داوطلبانه و بسط سرمایه اجتماعی (social capital) بپذیرد.^۳

دو سازمان بین‌المللی یعنی انجمن فراغت و سرگرمی جهانی (world leisure and recreation association) و سازمان مدیران برنامه‌ریزی فراغتی در سال‌های اخیر به دولت‌ها، جوانان علوم فراغتی و برنامه‌ریزان اجتماعی هشدار داده‌اند که باید به فکر برنامه‌ریزی فراغتی در جهان جهانی شونده باشند تا بتوان خطرات ملی و بین‌المللی را در برنامه‌ها لحاظ کنند. (Rojek, 2005:222)

اما بر چه ساسی این کار میسر است؟ باید خاطر نشان کرد که در دهه ۱۹۶۰ نظریه‌پردازان رادیکال به ویژه نظریه‌پردازان مکتب انتقادی فرانکفورت گذران منفعل فراغتی - که به آن اعتیاد

توده‌ای به فرهنگ تابستان می‌گفتند - و طرز تلقی‌های غیر سیاسی همراه آن را که افراد را روز به روز غیر سیاسی و منفعل‌تر می‌کرد مورد انتقاد شدید قرار دادند. (آدورنو، ۱۳۸۱) هربرت مارکوزه (۱۹۹۱) در کتاب «صنعت فرهنگی» از بشری سخن می‌گفت که در پی خوشحالی خودش است، یعنی بشر مصرف‌کننده غربی. در جای دیگر طرفداران مکتب انتقادی تصریح می‌کنند که «انسانی که دارای اوقات فراغت است باید هر آنچه را که صنعتگران سرمایه‌داری به او عرضه می‌کنند بپذیرد.» (هورکهایمر و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۹)^۱

گرچه فراغت تنها یک رشته درسی در دانشگاه بود که به لحاظ نظریه‌پردازی در دوران طفولیت به سرمایه‌برد و ارتباط آن با برنامه‌ریزی رفاه و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مورد بحث قرار نگرفته بود اما به نظر می‌رسید که جوانان و پژوهشگران این رشته نسبت به آینده آن اطمینان خاطر داشتند. اینها کاملاً در مقابل واضعان نظریه صنعت فرهنگی و نظریه انتقادی به فراغت قرار داشتند. برخی نیز مانند کر و دیگران (۱۹۷۳) در کتاب «صنعتی شدن و مرد صنعتی» و بل (۱۹۷۴) در کتاب «برآمدن جامعه پسا صنعتی» ظهور جامعه فراغتی را پیش‌بینی می‌کردند. به نظر آنها در این جامعه وقت و پول افراد بیشتر بود و با داشتن چنین شرایطی بهتر از گذشته می‌توانستند به گذران اوقات فراغت با فراغ بال بپردازند. البته شواهد نشان می‌دهد که زمان مورد استفاده فراغتی در طبقه‌بندی‌های مختلف در سال‌های گوناگون قرن گذشته در حال تغییر بوده است. این مسئله اولاً نشان می‌دهد که صرف نظر از تعاریف مختلف در مورد جامعه فراغتی، ما به طرف یک چنین جامعه‌ای پیش می‌رویم، چون زمان «خواب تا کار» افزایش یافته است. تحقیقات نشان می‌دهد که با توجه به دو عامل کنترل‌کننده یعنی خانواده و اشتغال، در کشورهای مختلف در یک دوره زمانی معین تغییراتی در استفاده زمان صورت گرفته است. همچنین قرائن حاکی از آن است که زمان فراغت زنان مقدار کمی بالا رفته، اما زمان کار دستمزدی بیرون و زمان کار داخل خانه آنها کاهش داشته است. در مقابل زمان کار خانه مردان اندکی بالا رفته، اما زمان کار دستمزدی آنها زیاد تغییری نداشته است، اما به هر حال هر دو به یک نسبت زمان کار خانگی را به خرید و نگاهداری بچه‌ها می‌گذارند. (Sullivan et al., 2001)

نکته دیگر اینکه مردم فراغتی را می‌گذرانند که مشخص و محدود است، اما این نوع گذران فراغت را در پهنه و زمینه (context) آموزش توده‌ای، ارتباطات توده‌ای و توریسم توده‌ای انجام می‌دهند که پیش‌فرض آن رفتار فراغتی به عنوان شهروند فعال است. جالب اینجاست که در زمان فراغت، ما بیشتر در معرض اطلاعات و اخبار قرار داریم و رابطه شهروند فعال در حقیقت در این ایام بیشتر شکل می‌گیرد و مسئله انتخاب سیاستی خاص و سبک زندگی در این هجوم اطلاعات در این زمان بیشتر معنا پیدا می‌کند. این اطلاعات البته معنای دیگری هم دارد و آن ریسک‌هایی

است که در پیش رو داریم. (گیدنز، ۱۳۷۹) بنابراین اوقات فراغت، وقت آزاد از چیزی نیست و ما در معرض ریسک و بیم‌های تولید شده هستیم؛ بیم‌هایی که به قول «الریک بک» ناشی از تعامل فرد با ذاتایی با طبیعت است. (همان جا)

به تعبیر روزک در عین حال با کالایی شدن (co modification) جامعه، فعالیت‌های فراغتی ما با دستکاری سرمایه‌داری صورت‌بندی شده است؛ یعنی از طریق آگهی و طراحی کالا، توسط سرمایه‌داری کاری کرده است که ما نتوانیم بین مصرف و فراغت تمایز قایل شویم. البته این مسئله منقشه برانگیز است. ما در این دوران نسبت به گذشته آگاهی بیشتری از خطرهای فراغتی داریم. مانند آگاهی از خطرات غذا خوردن با کلاسترول بالا، چربی، نوشیدنی و نظایر آن. برای آزمون این مسئله می‌توان تصور این مسایل فراغتی را در میان گذشتگان و شهروندان فعال حال حاضر نشان داد!

چالش‌های زمان و مکان فراغت

مؤلفه دیگر در چهارچوب نظری این پژوهش فهم زمان و فضای فراغت است. پدیده دیگری که به مثابه یک تأکید فرهنگی بر الگوی اوقات فراغت شهری و برنامه‌ریزی‌ها و ساماندهی فراغت‌های شهری در میان گروه‌های مختلف اجتماعی تأثیر می‌گذارد، چالش‌های فزاینده‌ای است که این گروه‌ها در زمان و فضاهای فراغت به مثابه مؤلفه‌های اصلی الگوی فراغت با آن درگیرند. در جهان جدید، تقریباً در تمامی فضاهای عمومی فراغتی، از استخرهای شنا گرفته تا فضای کوه و باشگاه‌های بدنسازی، پارک‌ها، دامن طبیعت، افراد بر حسب طبقه اجتماعی، سبک زندگی، سن، جنس و قومیت و نژاد با چالش‌هایی مواجه‌اند.

مفهوم چالش زمان و مکان فراغت عمدتاً به نظریه الگوی فراغت کریس روزک (۱۹۸۹) و ایان یثو (۱۹۸۱) بازمی‌گردد. بر طبق نظر آنها الگوی فراغت که در بر گیرنده دو مؤلفه کلیدی یعنی زمان فراغت و فضای فراغت است، از ویژگی‌های قطعی و ثابت جامعه نیستند. ایان یثو (۱۹۸۱) در بررسی تاریخی خود در مورد تاریخ کار و فراغت به این مسئله اشاره می‌کند که زندگی قرن نوزدهم و بیستم سرشار از تلاش طبقات و گروه‌های مختلف برای تفکیک اجرا از تماشا (باریگران از تماشاچیان)، فضای خیابان از فضای بازی، آموزش و رفاه از تفریح سیاست از مابقی زندگی، ارزش‌ها و انتخاب‌ها از تولید و کار از خلاقیت بوده است. بر این اساس می‌توان گفت که مناسبات فراغت که به ماهیت دو مؤلفه زمان و مکان فراغت بستگی دارند، یکسره در جریان سارزه، مذاکره و چانه‌زنی‌های دائمی قرار دارد. این امر را نشودور آدورنو به نحو دیگری مطرح می‌کند. آدورنو (۱۳۸۱) این استدلال را مطرح می‌کند که زمان و فضای فراغت فارغ

از سایر جنبه‌های زندگی نیست و به کلیت شرایط اجتماعی حاکم بر مردم بستگی دارد - اگرچه در نظریه وی آنچه از گسترش اوقات فراغت پدید می‌آید فارغ بودن و آزاد بودن نیست، بلکه گسترش بی‌اختیاری است. (همان جا) در مقابل، بسیاری نیز بر این نظرند که گسترش فعالیت‌های فراغتی و شکل‌گیری الگوی فراغت پیامد فرایندهای چانه‌زنی است که نسبت آن در بین گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. مثلاً در زمینهٔ زمان فراغت، می‌توان به فرایند چانه‌زنی جمعی‌ای که در صدد کاهش تعداد هفته‌های کاری و افزایش تعطیلات با حقوق در بین کارگران بوده است، اشاره کرد. در اینجا ممکن است چانه‌زنی نوعی مبارزهٔ بین سرمایه و نیروی کار و لذا شکل‌گیری الگوی فراغت کارگران را نشان دهد، در حالی که در الگوی فراغت سایر گروه‌ها مانند جوانان کشمکش‌های جدید بر سر زمان فراغت، دلایل پنهان و آشکار دیگر و فرایندهای متفاوتی داشته باشد.

اختلافات و کشمکش‌هایی که بر سر «فضای فراغت» وجود دارد نیز دست کمی از زمان فراغت ندارد و بسیار دامنه‌دار و متنوع است. در بین جوانان ممکن است دسترسی خاص آنها (یا انتظار دسترسی خاص آنها) برای استفاده از فضاهای شهری و دانشگاهی، از جمله عوامل درگیری و تنش باشد. همان‌طور که ممکن است دسترسی به فضای عمومی فراغت، محل رقابت تعدادی از سازمان‌های داوطلبانهٔ خصوصی - از جمله انجمن‌های همسایگی محلی تا سازمان‌های منطقه‌ای و ملی - باشد، فضاهای عمومی و فضاهای مورد انتظار گروه‌های مختلف به ویژه جوانان نیز به مبارزه، رقابت و مذاکره بین آنها و رقیبان منتهی می‌شود. بنابراین برطبق نظر کریس روزک آنچه به شکل فعالیتی فراغتی صورت می‌گیرد، در خلاء به وجود نیامده است و محصول کشمکش‌هایی است. بنابراین اگر فراغت مصرف شده، را نوعی فعالیت آزادانه و اختیارمدارانه بدانیم که برای پرورش استعدادها، توانایی‌ها و نیروها در زمان آزاد شکل می‌گیرد، این فعالیت‌ها محدود است. این محدودیت‌ها در هر جامعه‌ای و در بین گروه‌های مختلف ممکن است شکل متمایز داشته باشد و تحت فشارهای زیاد درون فضاهای فراغت در فرایند زمان قرار گیرد. همین فشارهاست که ممکن است به تدریج خرج کردن برای فراغت را جایگزین شرکت در آن نماید و فراغت جمعی سامان یافته را به جای کنترل فراغت جمعی قرار دهد و بنا بر نظر آنتونی گیدنز (۱۳۷۹) آئین‌های شخصی را به مثابه الگوهای عمل فرد در زمان‌های فراغتی جایگزین فراغت‌های جمعی نماید. روزک می‌افزاید که ممکن است این تمایزات حتی وارد قوانین شده، واسطهٔ فرآیند جامعه‌پذیری گشته، از طریق رسانه‌ها اعلام شده؛ توسط نیروهای قانونی حافظ نظم نیز حمایت گردند. مطالعات تاریخی نشان داده است که از طریق این راه‌ها، اشکالی از فراغت که به طور تاریخی و اجتماعی مشخص شده بودند به اشکال دیگری تبدیل شده‌اند؛ چرا که این مناسبات تحت تأثیر

فشارهای مختلف شکل می‌گیرند که ما از وجود آنها اطلاعی نداریم و تنها با پیاده‌های آن روبرو می‌شویم. با این حال، پیامدهای این فشارها به هیچ عنوان همگن و یکبارچه نیستند. حتی اگر این فشارها شناخته شوند نیز تلاش برای سخت‌گیری؛ تحت فشار قراردادان خواسته‌هایی که در زمینه فراغت مطرح می‌شوند موجب واکنش می‌شود. فشار، مقاومت را برمی‌انگیزد.

برخلاف بیشتر کنشگران اجتماعی که فراغت خود را به‌طور مکانیکی از راه‌های از پیش تعیین‌شده می‌گذرانند، جوانان از جمله گروه‌هایی هستند که انتظاراتی متفاوت دارند و بنابراین به راحتی نمی‌توان برای آنها برنامه‌ریزی فراغتی غیر متناسب با خواسته‌هایشان طراحی کرد. آنچه کریس روزک در صدد اثبات آن از طریق تحلیل وقایع متعدد درگیری و رقابت بر سر فعالیت‌های فراغتی است، این است که تحلیل فعالیت‌ها و الگوی فراغتی جوانان، در فرایندهای چانه‌زنی و درگیری، نشان خواهد داد که زمان فراغت و فضای فراغت به‌طور خودکار و منشفک در جامعه وجود خارجی ندارند. برعکس، زمان فراغت و مکان فراغت همواره توسط اعمال و کنش‌های جوانان در حال ساخته شدن و بازسازی است. به علاوه، این اعمال معمولاً شامل درگیری‌هایی بنیادی بر سر معانی و موارد استفاده‌ی زمان فراغت و مکان فراغت می‌شوند. بر این مبنا می‌توان گفت که فعالیت فراغتی و تفریحی، فعالیتی سرشار از ارزش و معناست. درگیری‌ها و تنش‌هایی که مناسبات واقعی فراغت جوانان به همراه می‌آورد معمولاً در میان شعارهای جذاب و فریبنده برنامه‌ریزان فراغت و مدیرانی که سخن از «جامعه فراغتی» و سیاست «فراغت برای همه» می‌گویند، گم می‌شود.

گم شدن مناسبات واقعی فراغت در میانه ساختار سیاست‌های فراغتی را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. امروزه شیوه گذران اوقات فراغت تبدیل به یکی از مهم‌ترین وجوه «تمایز» شده است. به این معنا که نوع سرگرمی‌ها، نوع «سرمایه فرهنگی» و «سرمایه اقتصادی» و میزان «منزله اجتماعی» افراد و خانواده‌ها را مشخص می‌کند و میان آنها تمایز می‌گذارد. به تعبیر بوردیو، شما با نوع ورزش، نوع پوشش، نوع موسیقی و نوع فیلمی که می‌پسندید، می‌توانید خود را از بقیه (دیگری) متمایز ساخته و طبقه خود را تعیین کنید. در این وضعیت داشتن اوقات فراغت به نوعی «جبار» تبدیل شده (در برابر اختیار و میل) که به تعبیر بوردیو میدان فرهنگی شما را می‌سازد. شما در صورت نداشتن اوقات فراغت شایسته و سرگرمی‌های پرطمطراق، به عنوان یک سرمایه‌نمادین، طبقه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی نازلی پیدا می‌کنید. بوردیو می‌گوید که سرمایه‌نمادین متراکم، امکان دسترسی به فرهنگ و استفاده عملی از آن را فراهم می‌کند. طبقه مسلط به دلیل برخورداری از امکان بیشتر بازدید موزه‌ها، کتابخانه‌ها، تئاترها و انجام مسافرت و خرید کتاب و به‌طور کلی دستیابی به ابزار فرهنگی، از جایگاه برتری برخوردار

است. در واقع، از نظر او ثروت‌های فرهنگی که به صورت نابرابر پخش می‌شوند، لزوماً انعکاسی از نابرابری اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند انعکاس استراتژی تشخیص و تمایز، یعنی مبارزه طبقاتی در یک فرهنگ باشد. این مبارزه طبقاتی بیش از هر جای دیگر در زندگی روزمره خود را نشان می‌دهد. به همین سبب است که کنشگران اجتماعی به وسیله نوع مصرف کالای فرهنگی، خود را طبقه‌بندی می‌کنند و از طریق «تمایز» سعی می‌نمایند جایگاه خود را حفظ کنند. شیوه گذران اوقات فراغت یا انتخاب نوع سرگرمی به عنوان یک کالای فرهنگی، سرمایه فرهنگی - اجتماعی فرد را ساخته امکان سلطه را فراهم می‌سازد. نوجوانان تا مدرسه‌شان تمام می‌شود و از ماراتن مهلک امتحانات جان سالم به در می‌برند (ماراتنی برساخته که خود حاصل نزاع میان والدین برای بالابردن منزلت اجتماعی خانواده برای تمایز هر چه بیشتر است) به درون فعالیت متمایز شونده دیگری برای والدین‌شان قرار می‌گیرند که همان داشتن اوقات فراغت منظم؛ علمی است که حتی از دوران کارشان (تحصیل و مدرسه رفتن) دقیق‌تر و رسمی‌تر عمل می‌کند.

بی‌شک، عینی‌ترین نتیجه اوقات فراغت انقیادی و رسمی این است که میل نوجوانان را در درون نظام کار و سازوکار نمایش منزلت‌های اجتماعی، تحت فشار قرار می‌دهد. نوجوانان در درون بنگاه‌های گذران اوقات فراغت که مدیران در راستای پاسخ به ساختار نزاع منزلتی خانواده‌ها صورت‌بندی کرده‌اند، در واقع به ابزار منزلت اجتماعی والدین خود تبدیل شده و بار نظام رسمی آموزش را این بار در خانه و از سوی ایدئولوژی افزایش منزلت اجتماعی والدین بر دوش می‌کشند. تلاش جوانان برای ساختن نظام معانی فارغ از سیاست‌های رسمی مدیران و نیز ایدئولوژی منزلت در واقع مقاومتی است در برابر به انقیاد کشاندن اوقات فراغت یا تبدیل اوقات فراغت به ضد خود یعنی اوقات تحت سلطه.

روژک می‌خواهد بر این مسئله تأکید کند که مسئله زمان و فضای فراغت و شرایط آن با فرآیندی سیاسی در ارتباط است. لازمه فهم این مسئله این است که عامل‌ها و کنشگران اجتماعی درباره معنا و اهداف زمان و فضای فیزیکی تصمیم بگیرند و همچنین افراد از فضا و زمان برابر منافع و تقاضاهای رقیب محافظت کنند.

کشمکش‌های جدید بر سر زمان فراغت موارد مختلفی را در بر می‌گیرد؛ مانند تلاش برای افزایش ساعت کار اغذیه‌فروشی‌ها، تلاش برای افزایش ساعات کار گالری‌های هنری، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و تسهیلات ورزشی. البته همان‌طور که گفته شد اختلافات و کشمکش‌هایی که بر سر «فضای فراغت» وجود دارد نیز بسیار دامنه‌دار و متنوع است. در هر جامعه‌ی دسترسی همگانی به فضاهای عمومی هنوز ممکن است مشکلات قانونی داشته باشد. بنابراین دور از انتظار نیست که مرتباً درگیری‌هایی بر سر فضاهای عمومی فراغت اتفاق افتد. در برخی موارد همین

درگیری‌ها ممکن است به نوعی ناآرامی در مراکز شهری منجر شود. لذا می‌توان گفت فضای عمومی فراغت نیز به طور رسمی محل رقابت افرادی است که می‌خواهند از آن استفاده کنند. برخی از این رقابت‌ها بین محله‌های مختلف است که به درگیری‌هایی نیز می‌انجامد؛ یعنی بزرگسالانی که می‌خواهند فضای بازی بچه‌ها را در برابر کسان دیگری که در صدد محدود کردن آن هستند، حفظ کنند. این محدودیت‌ها در هر جامعه‌ای تحت تأثیر تأکیدات فرهنگی آن جامعه شکل متمایزی می‌گیرد. به عبارت دیگر، مناسبات فراغت در هر جامعه تحت تأثیر فشارهای تاریخی نیرومندی شکل گرفته‌اند. به طور مثال، هر گونه تلاش برای ساماندهی تعطیلات در ایران موجب واکنش‌های متفاوتی از سوی نهادهای مختلف اجتماعی خواهد بود. همین طور هر گونه تلاش برای مجاز شماردن تمام عیار فعالیت‌های تجاری در تعطیلی روز جمعه به دلایل مختلف مذهبی و اجتماعی ناکام خواهد ماند؛ همچنان که همین نیروهای اجتماعی و مذهبی از حذف برخی تعطیلی‌های مذهبی جلوگیری می‌کنند. بنابر این در هم ریختن فضای فراغت نهادینه شده به همان اندازه مشکل و چالش برانگیز است که تعطیل کردن و سخت‌گیری به همین دلیل است که دولت تا به حال نتوانسته است به تعطیلات سامان دهد. هر تغییری تا به حال با واکنش روبرو بوده است. دفاع از فضیلت روزهای تعطیلی توسط مردم و بعضاً روحانیت ممکن است موجب ناراحتی قانونگذاران هم بشود. ریشه این دفاع‌ها را در تاریخ و نهادینه شدن تعطیلات و به عبارت دیگر تأکیدات فرهنگی می‌توان یافت. ممکن است در گذشته تعطیلات جنبه قانونی نداشته است، اما دولت همیشه باید در این جهت حرکت می‌کرد.

نظارت رسمی و نیمه رسمی فراغت عمومی در روزهای جمعه به منزله پشتیبانی از یک نگاه خاص به استفاده «صحیح» و «سالم» از زمان است. شیوه زندگی سالم در روز خدا، خویشنداری، فروتنی، سکوت و پرهیز از کارهای زشت است. جمعه روزی برای خانواده است. فعالیت‌های معمول در جمعه‌ها شامل رفتن به مسجد، نماز جمعه، بازی با بچه‌ها، رسیدگی به باغچه، تمیز کردن خانه و رفتن به پارک و قبرستان می‌شود. در اینجا فرض بر این است که جمعه روزی است که در آغوش خانواده سپری می‌شود. در روزهای جمعه اصل بر این است که زن‌ها و شوهرها نه تنها به خدا، بلکه به خانه، والدین خود و فرزندان نیز توجه ویژه مبذول کنند. بنابر این روشن است که هر گونه ساماندهی مجدد تعطیلات دینی و عادی توسط فشارهای اجتماعی خاص محدود می‌شوند و یا مجال بیشتری پیدا می‌کنند. اگرچه به تدریج شاهد این هستیم که در همین فضاهای نهادینه شده حق انتخاب‌ها برای استفاده از اوقات فراغت مرتبه خاص خود را دارند. به عنوان مثال می‌توان سکولار شدن هر جامعه‌ای را از تغییر در نوع کنش شهروندان فعال در تعطیلات آن جامعه نیز ردیابی کرد. تعطیلات همان گونه که اشاره شد با مذهب ارتباط وثیقی

دارد. تعطیلات فرصتی است برای انجام مناسک دینی و ارتباط با خدا، با این تفاوت نسبت به روزهای دیگر هفته که برای انجام مناسک به گونه‌ای جمعی و عمومی فرصتی ایجاد می‌شود (حضور دین در عرصه عمومی).

جایگزینی کامل یا نسبی مفهوم اوقات فراغت و چگونگی سپری کردن ایام بی‌کاری در دوره متأخر به جای مفهوم تعطیلات در جوامع مذهبی پیشین گویای تحولات مهمی در قرون اخیر در جهان است که به کمک شاخص گذران اوقات فراغت می‌توان درک کرد. حتی می‌توان این فرایند را در یک جامعه و در میان دو یا چند نسل پیگیری نمود. به این معنا که با دقت بر چگونگی گذران اوقات فراغت دو نسل، تحولات و تغییرات دینی در میان دو نسل از یک جامعه را ارزیابی کرد.

در مورد فضای فراغت نیز باید گفت که این جوانان هستند که به فضاها معنا می‌بخشند. همان طور که در بخش نخست گفته شد در مناسبت فراغت، گرایشی نیرومند و مهم در جریان است که می‌خواهد فضای سنتی فراغت را به فضای مدرن فراغت بدل کند. چنین تبدیلی به دلیل حضور شهروند فعال صورت می‌گیرد. بدین سبب فضاهایی مانند استخر شنا که به طور سنتی فراغتی بودند، فضاهای بهداشتی، سلامتی، فراغتی و ورزشی می‌شوند. در صنعت فراغت نیز مراکز چند منظوره پدید می‌آیند که می‌توانند تفریحی، رفاهی و فراغتی باشند.

مطالعات فراغت اساساً محصول ظهور جامعه‌ای است که در آن گذران اوقات فراغت عامل مؤثری در شکل دادن به گروه‌های گوناگون سبک زندگی و هویت افراد است. طبق الگوی سنتی، کار و شغل افراد، تعیین کننده رفتارهای فراغتی پنداشته می‌شود، اما به تدریج شواهدی برای نفی این نظر و حتی تردید در کارآمدی متغیرهای سن، جنسیت و طبقه اجتماعی برای تبیین الگوهای فراغت به دست آمد. (Roberts, 1999:194) بدین ترتیب، این ایده خلق شد که مردم الگوهای قابل مشاهده‌ای در زندگی روزمره خود دارند که یکی از عرصه‌های آن رفتار فراغتی است. این الگو بر اساس انتخاب‌های فردی شکل می‌گیرد و با شناخت این الگوها و دانستن میزان و نوع مشارکت افراد در یک یا چند فعالیت فراغت، چشم‌انداز مشارکت آنها در بقیه فعالیت‌ها را می‌توان به دست آورد.

بنت (۲۰۰۲) سبک‌های زندگی در اوقات فراغت را یکی از ابعاد فرهنگ جوانان می‌داند. او این سؤال را مطرح می‌کند که فرهنگ جوانان چیست و چه تأثیری بر اوقات فراغت آنها می‌گذارد. منظور از فرهنگ یا خرده فرهنگ جوانان تمایز آنها بر حسب تعلقات، منافع، رفتارها، سبک‌ها و غیره است. جوانان با سمبل سازی، واژه سازی، زبان شفاهی و اصطلاحات، با ابداع یا تبعیت

از مدعا و سبک‌های خاص تر لباس پوشیدن، اصلاح موی سر و غیره، می‌خواهند خود را عضو گروه خاصی نشان دهند.

به طور خلاصه، مؤلفه‌های اصلی مدل نظری تبیین چالش‌های فراغت عبارت‌اند از: مفهوم شهروندی فعال و چالش‌های آن با زمان و مکان فراغت. در توضیح شهروندی فعال گفتیم که علم و فناوری چنان پیشرفت کرده‌اند که باعث تنوع شکل‌های فراغتی شده است. در این شکل‌های فراغتی، اعمال فراغتی با فراغ بال انجام نمی‌شود و دچار انحرافات، بیم و هراس است. این بیم و هراس، مربوط به ریسک‌های تولید شده توسط افراد مدرن بازتابی شده است. ریسک‌های تولید شده تعامل افراد و محیط زیست را دگرگون کرده‌اند. از سوی دیگر، گردش اطلاعات ناشی از ورود ما به جامعه اطلاعاتی، با توجه پیشرفت علم و فناوری و ظهور انسان بازتابی شده، به ظهور شهروند فعال می‌نجامد. این چنین شهروند فعال در معرض انتخاب‌های متعدد سبک‌های زندگی قرار دارد. در ضمن، با مسئله شراکت در سازمان‌های داوطلبی برای حل مسئله خودش مواجه است. چون باید مسئولیت‌پذیر باشد. شهروند فعال به محیط زیست و مراقبت از افراد دیگر، کودکان و سالمندان اهمیت می‌دهد؛ همان طور که به فراغت اهمیت می‌دهد.

سیاست‌گذاری فراغت جوانان

در دنیای کنونی وظیفه صریح و روشن دولت سیاست‌گذاری اجتماعی (فراغتی) به ویژه برای جوانان است. اما آیا شیوه‌ای از برنامه‌ریزی فراغتی که با سیاست‌گذاری دولت سازماندهی می‌شود، به صورت تدریجی، نظارت دولتی بر اشکال فراغتی جوانان را افزایش نمی‌دهد؟ آیا برنامه‌ریزی فراغتی با کاهش آزادی‌های فردی جوانان، چالش‌های فراغت یعنی فاصله وضع موجود و میزان فراغت مورد انتظارانشان را افزایش نمی‌دهد؟ آیا سیاست‌گذاری فراغتی توسط دولت در مقابل مقدار معینی مداخله مستقیم و یا ترغیب بخش خصوصی به تهیه و تأمین برخی فراغت‌های مشخص و معین موجب تخریب اعتماد به نفس (self-reliance) و تمایل به مراقبت مستقیم و نزدیک از جوانان نیست؟ از سوی دیگر، با وجود آسیب‌های ناشی از انتخاب‌هایی که در برابر افراد قرار دارد، اتخاذ محدودیت‌های جدید توسط سیاست‌گذاران اجتناب‌ناپذیر نیست؟ اینها سؤالات جدی است که در حوزه نظری و عملی پیش روی سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان قرار دارد.

در پاسخ باید گفت تاریخ سیاست‌گذاری فراغتی جوانان معمولاً درگیر یک نوع دوگانگی است که تا حدی ذاتی است. اولین درس سیاست‌گذاری فراغتی این است که این دوگانگی به رسمیت شناخته شود و سیاست‌گذاران باید در این مورد نظریه مشخصی داشته باشند. این دوگانگی ویژگی مشترک سیاست‌های اجتماعی (فراغتی) است. در حقیقت، تاریخ رشد سیاست‌های

اجتماعی (فراغتی) تاریخ رشد تضادهاست. هر چقدر سیاست‌گذاری اجتماعی (فراغتی) بیشتر رشد کند، بیشتر خود را در بحران قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر هدف اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی به طور اعم و سیاست‌گذاری فراغتی جوانان به طور اخص را کاهش نابرابری و تأمین نیازهای جوانان بدانیم، این روند با دوگانگی‌هایی روبروست. ممکن است اصلاحات اجتماعی در زمینه فراغت جوانان به دلیل تأمین برخی انتظارات آنها، نیازمند کاهش محدودیت‌ها شود. اما اصلاحات اخلاقی که روز به روز در دنیای جدید بیشتر مطرح می‌گردد، ایجاد نوعی محدودیت‌ها را الزامی می‌کند. مسئله مورد بررسی سیاست‌گذاری فراغتی این است که ورود به جامعهٔ پر بیم و مدرن کنونی، هم حق انتخاب فردی و هم نگرانی از ابعاد آسیبی اشکال متنوع و اعمال پویای فراغتی را افزایش داده است. همین امر بر دوگانگی سیاست‌گذاری فراغتی افزوده است. از یک سو، سیاست‌گذاری اعمال برخی محدودیت‌ها را برای کاهش چشم‌اندازهای پرمخاطره و ریسک‌های تولید شده توسط فرد جوانِ مدرنِ بازاندیش، الزامی کرده است و از سوی دیگر، افزایش حقوق شهروندی، دلالت بر تحقق حقوق اجتماعی جوانان دارد. راه حل مورد بحث ما، در این بخش برای کاهش این دوگانگی تأکید بر نوعی شهروندی فعال است که هم بر جنبه‌های مسئولیت‌پذیری و وظایف شهروندان به صورت کدهای رفتاری و اخلاقی تأکید دارد و هم بر تحقق ابعاد حقوق شهروندی در سیاست‌گذاری تأکید می‌ورزد.

برای توجیه اصل شهروندی فعال و مسئولیت‌پذیری جوانان باید توجه داشت که غیرمحمتمل است سیاست‌گذاران بتوانند رضایت جوانان را در مسئله فراغتی برآورده کنند، زیرا رضایت فراغتی آنها به دلیل پویایی الگوهای فراغتی امری بسیار متغیر است و در حقیقت نیازها بسیار پویا شده‌اند. همان طور که گفته شد، دوگانگی سیاست‌گذاری این معنی را هم دارد که بخشی از سیاست‌های فراغتی جوانان به گسترش اوقات فراغت تأکید دارند و نه بر محدود کردن آن. موفقیت این سیاست‌ها در عمل، سطح خواسته‌های جوانان را افزایش می‌دهد. این دسته از سیاست‌ها به رشد فراغت و صنایع فراغتی مربوط می‌شود. این امر به رشد اشتغال در حوزه فراغت از یک سو و مشکل تداوم فراغت‌ها از سوی دیگر منجر می‌شود. از این جنبه، برنامه‌ریزی رشد فراغت می‌تواند از طریق واگذاری تهیه و تدارک خدمات فراغتی به بخش خصوصی به کاهش برخی محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع فراغتی منجر گردد. هر چقدر این سیاست‌ها پیگیری شود درآمدهای دولت نیز از راه مالیت بر درآمد صنایع فراغتی افزایش می‌یابد. از آنجا که اندیشه مشارکت، انتخاب، استقلال فردی و «کیفیت زندگی» از محورهای مفهوم حقوق اجتماعی است، بسیاری از صاحب‌نظران این نوع برنامه‌ریزی فراغتی برای تهیه و تدارک فراغت جوانان را بخشی از فرایندهای تحول توسعه شهروندی به حساب می‌آورند. اگر از این منظر نگاه کنیم، برقراری

حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی با توسعه سیاست‌های عمومی برای فراغت همراه است. اما مشکل سیاست‌گذاران این است که کاهش محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و حتی بخش عمومی در صنایع فراغتی ضمن آنکه ممکن است به افزایش فراغت سالم جوانان در زمینه ورزش منجر شود، به رشد فراغت‌های آسیبی نیز کمک می‌کند چون برخی تحقیقات نشان داده‌اند که جوانان بیشتر گرایش به فراغت‌های آسیبی دارند. (Roberts, 2004:202) در واقع تاریخ روند سیاست‌های عمومی برای فراغت حاکی از آن است که این سیاست‌ها درگیر یک دوگانگی‌اند، یعنی تنش بین استقلال و محدودیت. به هر حال، سیاست‌گذاری فراغتی عمومی پیامدهایی برای حقوق اجتماعی شهروندی دارد. گرچه ممکن است سیاست‌گذاری فراغتی را بر اساس استقلال افراد سازماندهی کرد، اما در عمل عدم تأکید بر وظایف و الزامات شهروندان جوان، واکنش سیاست‌گذاران را به دنبال خواهد داشت. به ویژه که هر حکومت مجبور است ارزش‌های حاکم بر جامعه را نیز در سیاست‌های فراغتی اعمال کند. برای کاهش این دوگانگی، در سیاست‌گذاری‌های فراغتی جوانان باید چند مسئله مدنظر قرار بگیرد: نخست، تأکید بر فراگیر بودن سیاست‌ها به قصد اجتناب از مطرود شدن اجتماعی برخی گروه‌های جوانان؛ تأکید بر سرمایه اجتماعی؛ تأکید بر شهروندی فعال، تأکید بر نقش اجتماع و انجمن‌های جامعه مدنی؛ تأکید بر نقش ذی‌نفعان جوانان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فراغتی و نیز تأکید بر نقش نظارتی دولت، به ویژه نظارت مستمر بر صنعت فراغتی که توسط بخش خصوصی تهیه می‌گردد. بخش خصوصی هیچ مسئولیتی در قبال اشکال آسیبی فراغتی احساس نمی‌کند، چون هدفش کسب سود بیشتر است. بنابراین دولت باید بر نقش بخش سوم (سازمان‌های داوطلبانه، هیئت‌های محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد) برای تحقق تکدیات بالا در سیاست‌گذاری اصرار ورزد. سیاست‌گذاری دولتی بیش از اینکه به مداخله مستقیم دولت راه دهد، باید امکانات بخش سوم را در تهیه فراغت در نظر گیرد. به این دلیل که رابطه این انجمن‌ها و سازمان‌ها با دولت بر این اساس استوار است که آنها اهداف مشترکی با دولت در زمینه فراغت جوانان دارند، اما برتری آنها بر دولت در تنظیم و اجرای سیاست‌ها، این است که ابزارهای آنان برای شکل‌گیری یک فراغت سالم کارا تر است. همین امر باعث می‌شود تا آنها رابطه‌ای مکمل با دولت برای برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های فراغتی جوانان برقرار کنند.

- ۱- این الگو اوقات فراغت گروه‌های سنی مختلف جمعیت را بر اساس دوره‌های زندگی تحلیل می‌کند. مراجعه کنید به مقاله «تحول در مطالعات فراغت» در همین ویژه‌نامه.
- ۲- این الگو به نقش عوامل نهادینه شده اجتماعی در شکل‌گیری اوقات فراغت توجه دارد.
- ۳- تحقیقات اوقات فراغت بر محور بودجه زمانی فراغت به محاسبه دقیق میزان فراغت صرف شده می‌پردازد. این نوع بررسی‌ها مورد توجه اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و روانشناسان قرار می‌گیرد، اما به نظریه مشخصی در اوقات فراغت منجر نمی‌شود.
- ۴- دومازیه چهار ویژگی را در تعریف اوقات فراغت مورد نظر دارد: رهایی از وظایف، جهت نگرقتن به سوی اهداف مادی و اجتماعی، سرگرمی با حالات لذت‌جویانه، تحقق شخصیت و توانایی‌های بالقوه آدمی به گونه‌ای آزادانه. نگاه کنید به دومازیه، ۱۹۶۷
- ۵- نگاه کنید به مقاله تحول در مطالعات اوقات فراغت در همین ویژه‌نامه
- ۶- نگاه کنید به مقاله تحول در مطالعات اوقات فراغت در همین ویژه‌نامه
- ۷- برای نحوه تعامل بین سه بخش دولتی و غیر دولتی نگاه کنید به مقاله عادل نجام، با عنوان «رابطه دولت و بخش سوم» در www.google.com
- ۸- سرمایه اجتماعی به سرمایه‌گذاری داوطلبی در اجتماع و ثروت مدنی اشاره دارد که در آن ثروت معمولاً برحسب واژگان اقتصادی تعریف نمی‌شود سرمایه اجتماعی به ارزش‌های افزوده اجتماعی در اثر حمایت، مراقبت و کمک‌ها اشاره دارد به طور مثال حفاظت داوطلبانه از محیط زیست، کمک به مراقبت از کودکان و سالمندان و راه انداختن فراغت‌هایی براساس روابط محلی و همسایگی و فعالیت‌های سرگرم‌کننده غیر انفعالی.
- ۹- برای بحث مفصل این مسئله نگاه کنید به مقاله تحول در مطالعات فراغت در همین ویژه‌نامه
- ۱۰- بر این اساس کافی است که ابتدا این خطرات را اول از نگاه خود فهرست کنید. بعد از پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ بخواهید که آنها را فهرست کنند تا ببینید آگاهی کدام یک در زمان گذران فراغت بیشتر بوده است.
- ۱۱- البته این دوگانگی موقعی رخت برمی‌بندد که بپذیریم سیاست‌ها تنها می‌توانند بخشی از حقوق اجتماعی شهروند را متحقق کنند.

۱. آذربنوو، تئودور (۱۳۸۱) «اوقات فراغت». آل احمد. مجله زیبا شناخت.
۲. استراس، آنسم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی. بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۳. استبریک، جی، کریستین (۱۳۸۴) روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی. احمد احمدپور و علی شجاعی. انتشارات دانشگاه بزد
۴. استرینانی، دومینیک (۱۳۸۰) مقدمه بر نظریه فرهنگ عامه. پاک نظر. انتشارات گام نو، چپ اول
۵. استیک، رابرت ای. (۱۳۷۹) هنر پژوهش موردی. محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۶. آنا دیاز و دیگران (۱۳۸۵) نظام پرداخت مستمری بازنشستگی در فرانسه: در آستانه بازنشستگی؟ در تأمین اجتماعی در ایران و جهان. هرمز همایون‌پور. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
۷. بلیک مور، کن (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی. ع. ا. سعیدی و مس حاتقی. مؤسسه عالی تأمین اجتماعی
۸. بیرسون، کریسوفر (۱۳۸۴) معنای مدرنیت. ع. ا. سعیدی. کوبر
۹. حریری، نجلا (۱۳۸۵) اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
۱۰. سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۲) جامعه مصرفی و جوانان. فصلنامه مطالعات جوانان.
۱۱. سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۳) فرهنگ مصرفی: هواهای نفسانی جوانان و زنان در جامعه مصرفی. نام پژوهش فرهنگی.
۱۲. سیلور، من، دیوید (۱۳۸۱) روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی. محسن نائینی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان
۱۳. عبداللہیان، حمید (۱۳۸۱) فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۵
۱۴. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) در هزار توهایی نظم جهانی. نشرنی
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جهان رها شده. ع. ا. سعیدی و ی عبدالوهاب.
۱۶. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال‌های مختلف.
۱۷. هاشمی عقده، امیر (۱۳۸۴) آشنایی با بحث گروهی متمرکز. فصلنامه انسان‌شناسی. سال اول، شماره ۱.

۱۸. هورکهایمر و آدورنو (۱۳۸۰) **صنعت فرهنگ سازی**. مراد فرهادپور. ارغنون. شماره ۱۸.

- 19- Adorno, T. (1991) **The culture of Industry**. London: Routledge
- 20- Asgary, Ali & Willis, K.G. (1997) **"Households, Behavior in Response to Earthquake Risk: An Assessment of Alternative Theories"**. International Journal of Disaster Studies.
- 21- Baldock, J. et al. (1994) **Social Policy**. Oxford
- 22- Barkun, M (-) **Disaster and the Millenium**. New Haven: Yale University Press
- 23- Barnes, G. (1977) **The development of Adolescent Drinking Behavior**. London
- 24- Beck, U. (2000) **The Brave New World Of Work**. Cambridge: Polity Press
- 25- Dynes Russell R. (1992) **"Community Emergency Planning: False Assumption and In appropriate"**. preliminary paper #145 Newark DE Disaster Research Center University of Delaware .
- 26- Degg, Martin (1992) **"Natural Disasters: Recent Trends and Future Prospects"**. Geography.
- 27- Dumazedier, J. (1967) **Towards a Society of Leisure**. New York: Free Press
- 28- Dunning, E. & Rojek, C. (1992) **Sport and Leisure in the Civilizing Process**. London: Macmillan
- 29- Dynes, russel (1987) **Introduction**. Dynes et al **Sociology of Disasters**. Op cited.
- 30- Dynes, Russel R. & Quarantellin, Enric L. (1973) **"When Disasters Strikes."** Sociology: Human Society. Melvin L. Deffleur. et al. Glenview, Scott, Foresman Co.
- 31- Fritz, Charles F. (1972) **"International Encyclopedia of Social Sciences"**. New York: Macmillan & Free Press
- 32- Gershuny, J. (1986) **"Leisure: Feast or Famine?"**. Society and Leisure. Vol. 9. No. 2.
- 33- Gustavo. S. Mesch et al. (2001) **"Social Relationships and Internet Use among Adolescents in Israel"**. Social Science quarterly. vol. 82.
- 34- Haque, C. Emdad & Blair, Danny (1992) **"Vulnerability to Tropical Cyclones : Evidence from the April 1991 Cyclones in Coastal Bangladesh"**.
- 35- **Country Report Of Norway**. International Monetary Fund. Online At: www.imf.org
- 36- Mogan, D. (1998) **Planning Focus Group**. Sage
- 37- Mommass, H., van der Poel, H., Bramham, P. & Henry, I.P. (1996) **Leisure Research in Europe**. Wallingford: CAB International
- 38- Najam, A. (-) **The Four C s of Government-Third Sector relations, Cooperation, Confrontation, Complementarity, Co-optation**. <http://www.bu.edu/cees/research/workingp/pdfs/O100.pdf>

- 39- Perry, Joseph & Pugh, M.D. (1987) **Collective Behavior: Response to Social Stress**. St. Paul MN. West.
- 40- Roberts, K. (1999) **Leisure in Contemporary Society**. Wallingford: Cabi Publishing
- 41- Roberts, K. (2004) **The leisure industries**. Palgrave: MacMillan
- 42- Rojek, C. (2005) **Theory of Leisure**. Palgrave.
- 43- Rojek, C. (1989) **Leisure Time and Leisure Space**. In Chris Rojek (ed) **Leisure for Leisure**. Macmillan Press.
- 44- Stalling, Robert (1992) **"Ending Evacuation"**. International Journal of Mass Emergences and Disasters. Vol. 9.
- 45- Stallings, Robert A. (1973) **"The Community Context of Crisis Management"**. American Behavioral Scientist. Vol. 16. No. 3.
- 46- Sullivan, Oriol & Gershuny, Jonathan (2001) **Cross-national Changes in Time-use: Some Sociological (hi)Stories Re-examined**. British Journal of Sociology Vol. 52. No. 2.
- 47- Walker, P (1992) **"Foreign Military Resources for Disaster Relief: An NGO Perspective"**. Disasters. Vol. 16.
- 48- Yeo, E. & Yeo, S. (1981) **"Ways of Seeing: Control and Leisure Versus Class and Struggle"**. in E. Yeo & S. Yeo (eds.) **Popular Culture and Class Conflict 1590-1914: Explorations in History of Labour and Leisure**. Brighton: Harvester press.
- 49- Yeo, E. & Yeo, S. (eds.) (1981) **Popular Culture and Class Conflict 1590-1914: Explorations in History of Labour and Leisure**. Brighton: Harvester press

پروفیسر شاکر علی شاہ
 پرنسپل جامعہ اسلامیہ
 اسلام آباد